

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ • ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شرق

روزنامه

شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۴ • ۲۰ شوال ۱۴۴۶ • ۱۹ آوریل ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۸۸ • ۱۲ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۳ • اذان مغرب ۱۹:۰۰ • اذان صبح فردا ۵:۵۶ • طلوع آفتاب ۵:۲۵

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

چشم‌های ترسیده دانش‌آموزان



زهرامشاق

امری عادی بود. معلم کلاس دوم بارها بین تمام انگشت‌هایم مداد و خودکار می‌گذاشت و با تمام قدرت فشار می‌داد. هم‌کلاسی‌ای داشتم که مادرش مرده بود. اسمش انکار معصومه بود. موهای خیلی بلندی داشت. معلم موهایش را دور دست‌هایش می‌پیچاند و او را کشان‌کشان از نیمکت بیرون می‌آورد و روی زمین می‌کشید. هنوز تصویر معصومه در ذهنم است که چطور با دو دست لاغرش، موهایش را می‌گرفت که درد کمتری بکشد. من شاگرد تنبل کلاس بودم و بارها مرا به سیاهچال انداخته بودند. زیرزمینی تاریک که چراغ نداشت. حسین‌آقا که یکی از خدمتگزاران مدرسه بود، دست من و دانش‌آموزان درس‌نخوان دیگر را می‌گرفت و در سیاهچال می‌انداخت. من وقت‌های زیادی از ترس، خودم را خیس می‌کردم. می‌گفتند در سیاهچال مار و عقرب می‌آید و ما را نیش می‌زند و ما در تاریکی ترسی هولناک را تجربه می‌کردیم. در کلاس ما دختر درشت‌اندami بود که اسمش حاجیه بود. چند سال پشت هم مردود شده بود. دختر مظلومی بود که همیشه روسری شرش بود و انتهای کلاس می‌نشست. تنبیه او همیشه با خط‌کش بود؛ خط‌کش‌های چوبی بلندی که یک لایه فلز تیز داشت. دست‌های بزرگ حاجیه از ضربه‌های دردناک خط‌کش همیشه زخم بود. معلم خوش‌قدوبالایی داشتم، چشم‌های سبزی داشت و به رغم زیبایی ظاهرش، خیلی تند و عصبی بود. دوتا بچه کوچک داشت که خیلی وقت‌ها با او به مدرسه و کلاس می‌آمدند؛ رامین و مرمر. آن‌وقت‌ها بیشتر بچه‌ها، یک تیروکمان کوچک پلاستیکی داشتند. یک روز همین رامین، پیکان تیز کمان را به سمت چشم پسری گرفت که خانواده‌اش سرایدار مدرسه بودند. چشم راست حسین کور شد و تا آنجا

موسیقی خوانی

از ممنوع‌الکاری لحظه آخری تا استقبال از فستیوال کوچه

هنوز در بردهای از ابهام است. از همه بدتر اینکه مگر مسئول دادن مجوز به هنرمندان، وزارت ارشاد نیست! پس چه کسی تصمیم گرفته است ساعتی قبل از اجرا جلوی یک خواننده را بگیرد؟ برخی معتقدند حوزه هنری که زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی قرار دارد، به‌طور مستقل و به دلیل داشتن اختیارِ مکان برگزاری کنسرت این تصمیم را گرفته است.

استقبال مردم از فستیوال کوچه

چند روز پیش اعلام شد اسمسال هم فستیوال کوچه در بوشهر برگزار می‌شود؛ همان فستیوالی که خیابان‌های شهر بوشهر را تبدیل به یک دوره‌می شبانه همراه با موسیقی جنوبی می‌کند. بسیاری از مدت‌ها پیش منتظر این اتفاق بودند. درواقع یکی از دلایل استقبال از بوشهر و علاقه‌مندی برای سفر به این شهر، این فستیوال عنوان شده بود. علاقه‌مندان به این فستیوال حتی به زرو مکان‌ها و بومگردی‌ها برای این پنج شب پرداخته بودند. خیلی زود قیمت‌ها سر به فلک کشید و حتی گفته شد با توجه به کمبود بلیت و تعداد محدود بومگردی‌ها، هزینه هر نفر برای سفر به بوشهر و اقامت از ۲۳ میلیون نفر هم گذشته است. به نظر می‌رسید همه چیز از یک اتفاق بزرگ حکایت دارد؛ از یک آداب جمعی برای موسیقی و شادی. دیروز اما یک کارزار جدید آغاز شد که به نگرانی درباره نحوه برگزاری این فستیوال تأکید می‌کرد. در متن این کارزار که در مدت کوتاهی دو هزار نفر را امضا کرده بودند، درخواست شده بود تا جلوی تندروها گرفته شود و زمینه برای برپایی این اتفاق فراهم شود. در متن این کارزار آمده است: «فستیوال

به نظر می‌رسد حضور مقام‌های بالادستی در عرصه موسیقی در حال افزایش است. در روزهای تعطیلات کنسرت حامد همایون در کرمان با وجود مجوزهای وزارت ارشاد، لغو شد، شبانه دستور بازداشت سهراب پاکزاد به خاطر انتشار کلیپی تقطیع‌شده از کنسرتش داده شد. پنجشنبه‌شب نیز در حالی که وحید تاج مجوز اجرا داشت، نتوانست روی صحنه برود.

حوزه هنری جلوی وحید تاج را گرفت؟

از مدت‌ها پیش خبر اجرای کنسرت وحید تاج و هنرمندانی از آذربایجان منتشر شده بود. او قرار بود به همراه ضابط نبی‌زاده و فرشاد محمدی در تالار اندیشه حوزه هنری برنامه اجرا کند، اما آن‌طورکه ایسنا گزارش داده است، این خواننده موسیقی ایرانی از این کار منع شد. این هنرمند که قرار بود ۲۸ فروردین با ارکستر ملل و به همراه یک خواننده اهل کشور آذربایجان در تالار اندیشه حوزه هنری برنامه اجرا کند، یک ساعت قبل از اجرای کنسرت، با وجود اخذ مجوزهای لازم و بلیت‌فروشی، از اجرای برنامه منع شد و در نهایت خواننده آذربایجانی به تنهایی روی صحنه رفت.

آثار اجرایی این کنسرت دوزبانه که برای دو خواننده ایرانی و آذری نوشته شده بود، در نهایت تنها با بخش آذری برگزار شد و مخاطبان نتوانستند بخش فارسی را بشنوند. وحید تاج در این اجرا روی صندلی و در کنار مخاطبان حضور داشت و مورد تشویق گروه و حاضران قرار گرفت. عصر ایران و برخی از کانال‌های خبری حدس می‌زنند این خواننده به علت برگزاری کنسرت موسیقی در خارج از کشور ممنوع‌الکار شده، اما دلایل قطعی این ماجرا

۱۰ میلیارد دلار

وزارت انرژی آمریکا در حال بررسی حذف ۱۰ میلیارد دلار از بودجه پروژه‌های انرژی پاک است. این خبر در مقاله‌ای در مجلهٔ اوپل‌پرایس منتشر شده است. طبق یادداشت‌های به‌دست‌آمده، این اقدام ممکن است به تعطیلی یا تضعیف پروژه‌هایی نظیر هاب‌های هیدروژن، پروژه‌های جذب کربن و مشارکت‌هایی با شرکت‌هایی چون اکسون‌موبیل و اکسیدنتال منجر شود. این تصمیم شامل قراردادهای دولتی موجود و در حال مذاکره نیز می‌شود و می‌تواند دو دفتر را که مسئول اجرای برنامه‌های کاهش کربن هستند، تضعیف کند. این کاهش بودجه نشانه‌ای از چرخشی چشمگیر در نگاه دولت فدرال به نقش خود در نوآوری انرژی است.



درهای قدیمی، قسمتی از تاریخ مردمان ایران طی قرن‌ها هستند اگرچه بسیاری از این درها از بین رفته‌اند یا به مرور زمان کنار گذاشته خواهند شد اما درهای قدیمی در واقع نماد اصالت یک بنای ایرانی بوده است. تزئینات و جنس در، با بافت محیط، دیوارها و باروهای اطرافش مخخوانی داشت که از ارتباط گرم و دوستانه بین مردم حکایت می‌کرد. عکس: مصطفی شالچی، ایسنا

هنرخوانی

از گوشه و کنار هنر

در ایـن مجال کوتاه، مروری داریم بر برخی از اتفاقاتی که در گوشه و کنار ایران و تهران در حال وقوع است.

درگذشت ابراهیم سپهری، نوازنده تار

ابراهیم سپهری زنگنه، نوازنده پیش‌کسوت تار، دار فانی را وداع گفت. این هنرمند، از پژوهشگران عرصه موسیقی ایرانی، چهره در نقاب خاک کشید. او در حوزه نوازندگی سه‌تار فعالیت‌های متعددی را از سر گذرانده بود، روز پنجشنبه بیست‌وششم فروردین‌ماه پس از گذراندن یک دوره بیماری، درگذشت.



پیکر ایـن هنرمند فقید شنبه ۳۰ فروردین از مقابل بیمارستان تهران تشییع و یکشنبه ۳۱ فروردین‌ماه در قطعه نام‌آوران کرمانشاه به خاک سپرده خواهد شد.

با بابک تا کام‌یک

نمایشگاه «کام‌یک» در گالری آرت‌بیش، نمایشگاه گروهی «به رنگ سبید» در گالری جاوید، نمایشگاهی انفرادی از آثار روحا دباغیان با عنوان «هنوز» در باگالری، نمایشگاه «نگار قیامت» در گالری اعتماد، نمایشگاه «ضد نور» و «سوءطراحی» در گالری سسو، نمایشگاه «سایه» در گالری والی، نمایشگاه «شناور» در گالری باوان، نمایشگاه «تن‌های تنها» در گالری دوست، نمایشگاه «ادامه سفیدی روز» در گالری باشگاه و نمایشگاه «دوباره بیداری» در گالری او، از جمله نمایشگاه‌هایی هستند که دیروز افتتاح شدند. همچنین دومین نمایشگاه نقاشی‌های رضا بابک، بازیگر سینما و تئاتر و هنرمند خاطره‌ساز با عنوان «با بابک»، به کوشش ارغوان بروجنی و شهرام عطیفی در گالری ثالث افتتاح شد. این نمایشگاه برگزیده‌ای از نقاشی‌های رضا بابک طی چند سال اخیر است. در نقاشی‌های او، به کودکانه‌هایی از ناخودآگاه خود دست یافته است که بی‌واسطه و صیقل‌نخورده هستند؛ از این‌رو نمایشی از درونیات خاطرات و هیجانات نقاش هستند.

رضا بابک نیز پیش‌تر درباره نقاشی‌هایش گفته بود: «سال‌های زیادی است که نقاشی می‌کشم. از پیش از انقلاب به نقاشی‌کشیدن مشغول بودم ولی گاهی بین کارهایم فاصله زمانی می‌افتاد. بعد از انقلاب به طور جدی‌تر به نقاشی مشغول شدم و کار را با آبرنگ شروع کردم و یادم است که در اوایل انقلاب، سال‌هایی که تئاتر و فیلم بازی نمی‌کردم، نقاشی‌کشیدن باعث ایجاد تخلیه احساس و انرژی بود و جای خالی بازی‌کردن در تئاتر را برای من پر می‌کرد.» این نمایشگاه تا ۹ اردیبهشت ادامه دارد.

از بزرگداشت تا نمایش آثار

رویدادی قرار است به‌زودی در موزه فرش با عنوان نمایش مجموعه آثار یاسر امین‌محبوب، هنرمند خراسانی، برپا شود. مدیر موزه ملی فرش در این باره گفته است: «این نمایشگاه مربوط به فرش‌های این هنرمند نیست، بلکه شامل ابزار و وسایل بافت قالی می‌شود.» رئیس موزه ملی فرش ایران از بزرگداشت سیاوش آزادی، نویسنده اولین کاتالوگ موزه فرش و برگزاری نمایشگاهی از مجموعه آثار یاسر امین‌محبوب در اردیبهشت‌ماه سال جاری خبر داد. «سیاوش آزادی» از پیشگامان مطالعات علمی فرش بود که بیش از پنج دهه از عمر خود را صرف تحقیق، تجارت و گردآوری دانش تجربی در این حوزه کرد.

«محمدجواد اینانلو»، رئیس موزه ملی فرش ایران، با اعلام اینکه این محقق و فرش‌شناس ایرانی نویسنده اولین کاتالوگ موزه فرش در سال ۱۳۵۶ بود، به اینا گفت: «از سیاوش آزادی بیش از ۱۰۰ مقاله علمی، چندین کتاب تخصصی و نمایشگاه‌های متعدد به جا مانده که سهم بسزایی در گسترش دانش فرش‌شناسی در ایران دارد. از مهم‌ترین آثار آزادی می‌توان به کاتالوگ افتتاحیه موزه فرش تهران (۱۳۵۶) و کاتالوگ «مثل گل‌های بیابان» برای موزه قوش‌شناسی هامبورگ (۱۹۹۳) اشاره کرد. همچنین قرار است در موزه فرش تغییراتی داده شود. در حال حاضر برخی از فرش‌های موزه ملی فرش ایران به صورت عمودی به نمایش گذاشته می‌شوند که با تغییراتی که قرار است به‌صورت کارشناسی انجام شود، فرش‌ها از حالت عمودی به صورت خوابیده تغییر پیدا کنند تا کمتر تحت فشار و آسیب قرار گیرند.

خارجی‌خوانی

شهادت در غزه، فیلم در «کن»

روز چهارشنبه بود که خبر رسید فیلم مستندی در جشنواره کن با عنوان «قلبت را در دست بگذار و باره برو» پذیرفته شده است. این فیلم در بخش ACID حاضر است که متعلق به پخش سینمای مستقل فرانسه است. حالا نقش اصلی این فیلم در موشک‌باران غزه به همراه ۹ نفر از اعضای خانواده‌اش کشته شده است. او «فاطمه حسونه» است، عکاس خبری فلسطینی و شخصیت اصلی مستند «سپیده فارسی» که تنها یک روز پس از اعلام انتخاب این اثر در جشنواره کن، در حمله هوایی اسرائیل به همراه خانواده‌اش در شهر غزه جان باخت. این اتفاق مدتی کوتاه پس از آنکه خبر حضور فیلم در کن منتشر شد، رخ داد. حسونه که به واسطه فعالیت‌هایش در عکاسی خبری و به تصویر کشیدن تأثیرات حملات نظامی اسرائیل بر غیرنظامیان نوار غزه، مورد توجه جهانیان قرار گرفته بود، در این مستند به کارگردانی سپیده فارسی (کارگردان ایرانی-فرانسوی) حضور داشت. مبنای این مستند مکالمات تصویری میان سپیده فارسی و فاطمه حسونه است. فارسی به دل‌این گفت «چند ساعت قبل از مرگش با او تماس گرفتم تا خبر حضور فیلم در کن را بدهم و دعوتش کنم. او گفت می‌آیم، اما باید به غزه برگردم. نمی‌خواهم از غزه جدا شوم، تازه روند اخذ ویزا را شروع کرده بودیم، نگران بودم که چگونه او را در امنیت بیآورم و بازگردانم. اکنون کل خانواده‌اش شهید شده‌اند. هنوز نمی‌دانم پدر و مادرش زنده‌اند یا نه، اما مطمئنا فاطمه و خواهر و برادرانش جان باخته‌اند. یکی از خواهرهایش برادرا بود. دو روز پیش در تماس تصویری، شکمش را به من نشان داد. این واقعا وحشتناک و دلخراش است. خود فاطمه هم چند ماه پیش نامزد کرده بود. من تلاش می‌کردم صدایش باشم... حتی احساس گناه می‌کنم. شاید به خاطر اعلام فیلم، او را هدف گرفتند. نمی‌دانم، هرگز نخواهم دانست. ارتش اسرائیل گفته بود که در خانه‌اش یک افسر حماس حضور داشته، که کاملاً دروغ است. من خانواده‌اش را می‌شناسم. مزخرف است. این فقط فاجعه‌بار است».

سپیده فارسی به تشریه دل‌این گفت: «او نور بود؛ بسیار بااستعداد. وقتی فیلم را ببینید، متوجه می‌شوید».

پس از این اتفاق مسئولان این بخش جنبی چنین می‌گویند: «ما فیلمی را دیدیم و انتخاب کردیم که در آن زندگی این زن جوان مانند یک معجزه به نظر می‌رسید. این دیگر همان فیلمی نیست که قرار است در کن از آن حمایت کنیم. همه ما، چه فیلم‌سازان و چه تماشاگران، باید لایق نور این زن باشیم. لبخند او به اندازه سرخشتی‌اش جادویی بود. او ناظر همه این اتفاق‌ها بود و در میانه عزاداری و گرسنگی و کمک و توزیع غذا برای دیگران، عکاسی هم می‌کرد».

این اولین باری نیست که این اتفاق برای هنرمندان رخ می‌دهد . طبق گزارش نشریه لنست حداقل ۶۶ هزار نفر از مردم در غزه کشته شده‌اند و بیش از ۲۵۰ خبرنگار در این مدت شهید شده‌اند. اما اتفاق دیگر این است که در اسفندماه کارگردان فلسطینی برنده اسکار با بازگشت به محل زندگی‌اش، مورد ضرب‌وجرح قرار گرفت. در ابتدا آکادمی اسکار به این اتفاق بی‌توجهی کرد اما پس از اعتراض هنرمندان، عذرخواهی کرد. ۵۰۰ هنرمند جهان در بیانیه‌ای با ضرب‌وجرح کارگردان فلسطینی ابراز همدردی کرده بودند. از طرفی در این موارد اسرائیل بعضی اوقات اعلام می‌کند که کشته‌شدن افراد اشتباهی بوده و گاهی هم تأکید می‌کند هدف کشتن فردی از حماس بوده است. ادعاهایی که باورپذیر نیست، اما سیاست‌مداران جهان چشم بر آن دوخته‌اند.

